

مهم ترین فیلم های جشنو اره سی وهشتم فجر کانات جشنواره امسال هم با تمام حواشی و اتفاقات ویژه اش پایان یافت. جشنوره ای که باز هم ثابت کرد تنها جشنواره ای در دنیاست که هم برندگانش ناراضی اند هم بازندگانش. با این حال با برگزاری اختتامیه و مشخص شدن برندگان جشنواره باید منتظر اکران عمومی این فیلم ها ماند. به هر روی با پایان یافتن جشنواره نگاهی انداخته ایم به مهمترین فیلم های حاضر در این جشن سینمایی و اتفاقاتی که حول و هوش آن ها در این ده روز افتاد.

درخت گردو

کارگردان: محمدحسین مهدویان نویسنده: ابراهیم امینی و حسین حسنی تهیه کننده: سید مصطفی احمدی بازیگران: پیمان معادی، مینا ساداتی، مینو شریفی، مهران مدیری

كانات محمدحسين مهدويان بعد از اين كه با اولین فیلمش «ایستاده در غبار» در جشنوارهی فیلم فجر سال ۱۳۹۴ حضور پیدا کرد، هر سال یک فیلم ساخته است. «درخت گردو» پنجمین فیلم بلند اوست. سال گذشته با «ماجرای نیمروز ۲: رد خون» در جشنواره حضور داشت که مورد توجه منتقدان هم قرار گرفت. البته قرار بود مهدویان دیگر سراغ

فیلمهای سیاسی نرود اما «درخت گردو» هم به شیوهای مضمون سیاسی دارد و دربارهی بمباران شیمیایی شهر سردشت است و با الهام از یک ماجرای واقعی ساخته شده.

«درخت گردو» فیلمی وطن پرستانه و در نقد حكمراني هست



نشست خبری فیلم سینمایی «درخت گردو» به کارگردانی محمدحسین مهدویان با حضور کارگردان، ابراهیم امینی و حسین حسنی (فیلمنامهنویسان)، سیدمصطفی احمدی (تهیه کننده)، مینو شریفی، مینا ساداتی، مهران مدیری (بازیگران)، هادی بهروز (مدیر فیلمبرداری)، حبیب خزایی فر (موسیقی)، بهزاد جعفری (طراح صحنه و لباس)، ایمان کرمیان (جلوههای ویژه میدانی)، امین پهلوانزاده (جلوههای ویژه بصری) و خسرو نقیبی (منتقد) با اجرای محمدرضا مقدسیان عصر روز سهشنبه ۱۵ بهمنماه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. محمدحسین مهدویان در ارتباط با دشواری کارگردانی و فضاسازی «درخت گردو» توضیح داد: "این فیلم نسبت به فیلمهای قبلیام از چند جهت دشواریهای بیشتری داشت. زبان، فرهنگ وجغرفیای فیلم برای من ناآشنا بود و باید این آشنایی صورت می گرفت. کار کردن با سه بچه کوچکی که بازی های سختی هم داشتند از این جهت سخت بود که باید به لحاظ فیزیکی و روحی مراقبت میشدند. همچنین گریم بازیگران جزو چالشهای فیلم بود. ما در صحنههایی که حیوانات را نشان دادیم از دامپزشکانی استفاده کردیم که بدون ٔسیب زدن به حیوانات صحنههای باور پذیر شیمیایی شدن را به تصویر بکشیم. سعیمان بر این بود که عمق فاجعه را بتوانیم روی پرده سینما به تصویر بکشیم

او درباره حضور پیمان معادی و مهران مدیری در فیلم توضیح داد:"فیلم موضوعی انسانی دارد که فراموش شده اما می تواند در جوامع بین المللی نمایش داده شود و کار کرد مثبتی داشته باشد. حضور پیمان معادی به عنوان یک بازیگر بین المللی می تواند به این مهم کمک کند. لهجه فیلم از نکاتی بود که پیمان درباره آن نگران بود ما در حین فیلمبرداری بسیار به

درآمدن لهجه توجه داشتیم و نتیجه قابل قبول از آب درآمد. کارگردان فیلم «درخت گردو» در پاسخ به این سوال که آیا با توجه به سکانس پایانی فیلم که کولبرها نشان داده شدهاند فیلم بعدی تان درباره این قشر خواهد بود، گفت:

"هنوز درباره موضوع فیلم بعدی ام تصمیم نگرفته ام. اما اگر دقت کرده باشید من همیشه درباره موضوعات ملی فیلم میسازم. با «درخت گردو» سعی کردم فیلمی بسازم که در عین حال که ملی است نقد شــیوههای حکمرانی در آن وجود دارد. اقلیتهای کشورمان تاوان بسیاری برای وطن دادهاند و همیشه کنار گذاشته شدهاند آنها برای وطن آسیب دیدهاند؛ اما به خاطر اینکه همزبان پایتخت نشینان نبودند کسی توجهی به آنها نکرده است.ما فیلمسازان می توانیم فیلمهای ملی بسازیم که در عین حال شیوههای حکمرانی را نقد می کنند." پیمان معادی بازیگر اصلی این فیلم طی تماس تلفنی در این جلسـه مشار کت کرد و درباره حضور خود در این فیلم گفت:"ســیمرغ و باز تــاب بینالمللی برایم اهمیتی ندارد؛ زيرا اين فيلم بسيار مهمتر از اين حرفهاست. محمدحسين مهدويان را سالهاست می شناسم و می دانستم چقدر سینما را می شناسد. در طی ساخت فیلم فهمیدم عوامل این هاست با هم همکاری می کنند و یک همدلی خاصی داشتند. او گروه فوقال دارد. این فیلم مهمی است. من این فیلم را عاشقانه بازی کردم و امیدوارم مردم آن را دوست داشته باشند. او افزود: از تمام اظهار لطفهایی که تا امروز به به من شده تشکر می کنم.

روز بلوا

کارگردان: بهروز شعیبی نویسنده: مهران کاشانی بر اساس طرحی از بهروز شعیبی و حسین ترابنژاد تهیه کننده: محمدرضا تخت کشیان

بازیگران: بابک حمیدیان، لیلازارع، محمد عليمحمدي، مسعود دلخواه، زكيه بهبهاني، ساغر قناعت، پاشا جمالي، داريوش ارجمند، محسن كيايي کانات داستان فیلم در مورد روحانی ای به نام عماد بدیعی است. حاج آقای بدیعی روحانی جوانی است که برنامه هایش در تلویزیون باعث شده شهرتی به هم بزند خیلی زود متوجه می شویم برادر کوچکتر حاجی غیبــش زده. نیروهای امنیتــی (از معدود کاراکترهای مثبت این فیلم) او را مدتهاست زیرنظر

داشته اند و فعالیتهای مشکوک و خلاف مالی او را تعقیب می کرده اند و حالا او بعد از خالی کردن حسابهای مشترک شرکت، به آنی غیب شده. سپردههای مردم در موسسه مالی و اعتباری را بالا کشیده و فرار کرده. نکته اینجاست که اموالی به نام عماد بدیعی روحانی جوان زدهاند، چکهایی امضا کرده و معاملههایی به اسم او انجام شده که حسابی پایش را به این پرونده کشیده. هم آبرویش در خطر است و هم دینش. و او کسی است که هم آبرویش برایش اهمیت بسیار دارد و هم دینش.

صحبت های جنجالی و تند داریوش ارجمند در جشنواره فجر



نشست فیلم «روزبلوا» به کار گردانی بهروز شعیبی با حضور داریوش ارجمند و با اجرای منصور ضابطیان چهارشنبه شانزدهم بهمن ماه در پردیس سینمایی ملت بر گزار شد.داریوش ارجمند در نشست خبری فیلم «روز بلوا» در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر گفت: "از معدود دفعاتی اســت که در یک نشســت فیلم می آیم. اول میخواهم شهادت سردار سلیمانی را یک بار دیگر تسلیت و تبریک بگویم و همینطور تسلیت بگویم برای حادثه هواپیما یک مرگ بر آمریکا هم می گویم بخاطر دستوری که یک رییس جمهوری برای قتل بزرگ مردی چون سردار سلیمانی داد. شجاعت بهروز شعیبی و اینکه این گستاخی را داشت تا این بلوا، نه آن بلوایی که در خیابان میبینیم را نشان دهداز مهمترین دلایل من برای بازی در این فيلم بود. نشان دادن ضايع شدن حق مردم شجاعت ميخواهد. اما از اين سوالها كه آيا فيلم سفارشی بوده یا چرا با اوج همکاری شده تعجب میکنم؟ اگر یک تهیه کننده دیگر هم بود باز هم این سوالات پرسیده می شد؟ سازمان اوج هم یک تهیه کننده است و آقای شعیبی در فیلم نسبت به این پرسشها از خودش دفاع کرده است. معتقدم علت ساخت این فیلم به اندازه کافی گویا است و هر کس در این چندسال در ایران زندگی کرده باشد بااین داستان در گیر شده است. بسیاری خودسوزی را در بخشهای مختلف شهر و زندگی شهری در خصوص مشکلات جامعه دیدهایم و این فیلمنامه با شجاعت به این کاراکتر در داستان پرداخته است.

خورشيد

کارگردان: مجید مجیدی نویســنده: مجیــد مجیــدی، نیما

تهیه کننده: مجید مجیدی، امیر بنان بازیگران:علی نصیریان، جواد عزتی، طناز طباطبایی، صفر محمدی، علی غابشي، روحالله زماني، شميلاشيرزاد **کانات** مجید مجیدی بعد از ساختن فیلم «محمد رسولالله» کار سختی در پیش داشت. یک فیلم ساخته بود که هزینهی تولیدش بسیار بالا بود و فیلم مهمي هم به شـمار ميآمد. احتمالا همین باعث شد که فیلم بعدیاش یعنی «آن سوی ابرها» را در هندوستان بسازد. حالا دوباره مجیدی به ایران

بر گشــته و فیلمی ســاخته که حال و هوایش شبیه به «بچههای آسمان» است. فیلم مجیدی دربارهی کودکان کار باشد. شخصیت اصلی فیلم کودک کاری است که در یک اوراقی لاستیک کار می کند و مادرش هم به خاطر مشکلات روانی در بیمارستان بستری شده است. او که وضع مالی چندان خوبی ندارد توسط یکی از هممحلیهای خود از وجود یک گنج در زیرزمین مدرسه آگاه می شود و تصمیم می گیرد با دوستان خود در یک ماجراجویی تازه به سراغ این گنج برود.

همه گریه کردند و خندیدند



نشست خبری فیلم «خورشید» در سینما ملت همراه حواشی عاطفی فراوان بر گزار شد.در ابتدای این نشست صانعی منتقد سینما گفت که این فیلم ما را به یاد دوران طلایی کارهای آقای مجیدی مانند بچه های آسمان، به رنگ خدا و ... انداخت. می توان این فیلم را طلوع دوباره آقای مجیدی در سینمای ایران نام نهاد. ما امسال فیلمهای زیاد با پلانهای شــلوغ و بازیهای فرمی و بدون قاعده دیدیم. اما این فیلم با قصه شسته و روایت ساده و بازی های سرحال نگاه هوشمندانه مجیدی است که در آثار دیگر و قدیمی ایشان که درباره

ایشان کاشف بازی های کودک هم است. بازی های خوب این کار بسیار جالب و زیبا بود. فیلم ریتم بسیار خوبی دارد البته یک سوم پایانی مشکل ریتم دارد و کند می شود. داستانکهای اضافی که می شود بهتر است حذف شود تا مخاطب خسته نشود. اشارهای هم بکنم به استفاده هوشمندانه از نور که ارتباط با نام فیلم دارد. از نور در سایه روشنها و در حقیقت جاهایی که فضا تاریکتر است که علی قصه ما ناامید است و رنج دارد، جاهایی که امید و نِشاط دار د روشن است این استفاده هویتمند از نور است که در آثار آقای مجیدی

بنان درباره دیر رسیدن فیلم به جشنواره گفت: ما با دیر رسیدن به جشنواره ضرر کردیم و دوست داشتیم که فیلم بتواند در جشنواره باشد تا در آرا نیز باشد. درباره داوری باید بگویم که در سنوات قبل که فیلمهای زیادی بود که دیر رسیده است ولی پخشد شد. پسرکشی نیز جایگزین ما و وارد مسابقه شد و داوری می شود. فیلم تقریبا بخش عمده آن آماده و به داوری داده شد کارهای فنی دیگری داشت که مانعی برای رساندن فیلم به جشنواره نبود. اگر می خواستیم که همه کارهای فنی انجام شود فیلم های دیگر استدیوها عقب می ماندند. بنابراین استثنایی در کار نبوده است.

هومن بهمنش در این باره توضیح داد: قانون فجــر دو بخش دارد یکی داوری و دیگری اکران عمومی است. تمام جشنوارههای دنیا حداکثر ۱۳کران دارد که مردمی است که از آن جاماندیم و از آرا هم حذف شده است. تصحیح رنگ دو روز و نیم انجام شده است در حالی که در هالیوود چندماه زمان میبرد. قانون این است که فیلم نمی تواند در بخش تماشاگران اكران شود و اين اتفاق افتاد.

مجیدی در ابتدای سـخنانش مدیونشان هستیم و اگر اینجاییم به لطف آنان است. کسانی که خالصانه جنگیدند. کشور ما شاهد حوادث تلخی بود که باید به آنها اشاره کنم: ترور سردارسلیمانی که در واقع به حق سرباز وطن نامیده شده است و در این سالها خود را وقف کشور کرد. همینطور فاجعه سقوط هواپیمای که در شرایطی قرار گرفته بودیم که بسیاری میخواستند تا از آن سو استفاده کنند. درود بر روح پاک همه آنها امیدوارم که سال آینده سال خوبی برای کشور باشد. آثار من گویای این مطلب است که دردهای مردم را میبینم و مردم به من می گویند که دردهای مردم را به تصویر بکشیم.

وی در ادامه گفت: صادقانه بگویم که واقعیت این است که فیلم ما برای آماده شدن بسیار دوران سختی را گذراند خصوصا به خاطر بچه ها. به جد معتقد بودم که امکان رسیدن فیلم وجود ندارد اما همیشه سوتفاهم زیادی ِدر این باره می شود. می دانستم که به نظر کیفیت کار خوبی انجام نخواهد شد. اما تعمداً دوست داشتم که در جشنواره خودمان اکران شود و بعد به جشنواره های خارجی برود. برای همین خواستم که به هر شکلی که است به این جشنواره برسد. جشنوارهای است که سال سینمای ایران از اینجا آغاز می شود. مساله من بود که در این جشنواره باشم. کدام دیالوگ البته این هم نظری است شاید هم ما نظر دیگری داشته باشیم. میخواستیم که شخصیت خیلی سیاه و سفید نباشد.

نصیریان درباره نقش خود گفت که برای من بازی این نقش بسـیار جذاب بود اما بسیار فشرده شاید نگاه دیگری از نظر تدوین باید انجام شود.

طباطبایی درباره نقشهای خود در این جشنواره گفت: یکی از بهرتین انتخاب هایم مجیدی بود که برای هر بازیگری بسیار جذاب است. نمی خواستم که این فرصت را از دست بدهم. از جاویدی هم برای این متن تشکر می کنم. همین داستان یک خطی می توانست برای من بسیار جالب باشد. حضور بچهها در کنار من بسیار خوب و جذاب بود. ما رسالت اجتماعی داریم که فکر می کنم در سینما بتوانم در سینما آن را به منصه ظهور برسانم برای همین که بتوانم مشکلات بچههای کار را نشان دهم در این فیلم بازی کردم. این بچهها چقدر روح بزرگی و انسانی دارند. قلب ایشان برای این بچهها می تپد.

جواد عزتی درباره نقشهای خود که تکراری در جشنواره دیده شده است گفت که نقشها تکراری نیست. هرچه هست همین بود که بازی کردم و نگاهها سلیقهای است. مجیدی درباره تلخی فیلم گفت که به نظرم فیلم تلخ نیست شاید در فرایند فیلم و درام تلخ باشد اما نکته فیلم و مغز آن این است که تمام این بچهها گنجهای پنهانی و درونی دارند که

باید آن را پیدا کنیم. ما نسبت به این بچهها مسئولیت اجتماعی داریم و دولت در این زمینه وظیفه مسئولیت سنگین دارد. در آخر فیلم علی نیز خودش گنجی است که پیدا میشود. مجیدی در ادامه گفت که این کارم در ادامه همان فیلمهای قبلی است که کار کردم که دغدغه شخصی من بود حتی فیلمم در هند در راستای کارهای قبلی من بود.

مجیدی نیز از همه عوامل فیلم تشکر کرد و گفت که خدا را شاکرم که با جوانان کار کردم. سینمای ما جوانان بسیار درخشان دارد. جاویدی دومین فیلمش می تواند دهمین فیلم یک کار گردان باشد اما برای او دومین کار است. هومن بهمنش یک استثنا در فیلمبرداری است در سینمای ما. همه استعدادهای درخشان داریم در سینمای ما. همینطور شانس بسیار بزرگی داشتیم که از استاد نصیریان استفاده کنیم. بودن استاد شبیه یک معجزه بود البته دلم از ابتدا برای حضور استاد روشن بود. چقدر ایشان با انگیره و با انرژی است که انقدر شور دارد و همچنان انگار در نقش اولشان بازی می کنند. وی در ادامه درباره پیدا کردن بچهها گفت که شهرستانهای زیادی را برای دنبال کردن بچهها رفتیم و ۴۰۰۰ بچه ویزیت کردیم. ۲۰۰ نفر انتخاب شدند و روح الله جزو آنان بود که دیدم برای نقش اصلی مناسب است.

روح الله زماني بازيگر فيلم درباره نقش خود گفت كه خدا به ما خيلي كمك كرد. از مادرم حمایت می کنم و خودم را خاک زیر پایش می دانم و زحمات مادرم را جبران می کنم. در این لحظه او گریه کرد که مورد تشویق حضار قرار گرفت. همینطور برخی مانند طناز طباطبایی با او گریه کردنــد. بهمنش درباره نقش او گفت که پــای روح الله در مدت زیادی در گچ و شکسته بود و آب هم بسیار یخ بود. در تمام عمرم این موضوع را ندیدم . روح الله تکنیک بازی می داند و شگفت انگیز است. از بازی با نصیریان کیف کردم. از آقای مجیدی تشکر می کنم. طباطبایی نیز گفت که روزهای اول در مدرسـه با همه معاشرت کردم و بسیار ماخوذ به حیا بود با کمک مادرش توانستیم این مشکل را حل کنیم. روح الله زمانی در اینجا به شوخی گفت که روی ناموسم حساسم و نمیخواستم که به ناموس دیگران نیز نگاه بد شود. این سخن او بار دیگر مورد تشویق حضار قرار گرفت. شیرزاد دیگر بازیگر فیلم گفت که عسگری دستیار کارگردان از من تست بازی گرفت و گفت که میدانی بازیگر قرار است بشوی؟ باید با آن زندگی کنی. نزدیک هشت ماه فیلمبردای کردیم. شیزاد نیز روش دستفروشی خود را تبلیغ کرد که مورد خنده و گریه حضار قرار گرفت.

خروج

تهيه كننده: حبيبالله والىنژاد نویسنده: ابراهیم حاتمی کیا كارگردان: ابراهيم حاتمي كيا بازیگران: فرامرز قریبیان، پانتهاً پناهیها، جهانگیر الماسی، سام قریبیان، کامبیز دیرباز، گیتی قاسمی، محمدرضا شریفینیا، محمد فیلی، مهدی فقیه، رامین پورایمان، محسن صادقینسب، آتش تقی پور، اکبر رحمتی، حمید ابراهیمی

کانات آخرین فیلم حاتمی کیا در جشنوارهی فجر «به وقت شام» بود. یک فیلم جنگی دربارهی داعش در سوریه که طبق معمول فیلمهای حاتمی کیا سر و صدا و حاشیههای زیادی به پا کرد و حتی شیوهی تبیلغاتش که عوامل فیلم با گریم داعش در سینما کوروش حضور پیدا کرده بودند هم خبرساز شد. فیلم «حروج» بعد از «بادیگارد» و «به وقت شام»، سومین همکاری سازمان هنری رسانهای اوج با ابراهیم حاتمی کیاست. «خروج» روایت گر داستان کشاورزانی است که بهدلیل قصور مسئولین زمینهای کشاورزیشان خشک شده. آنها برای اعتراض به این وضعیت با تراکتورهایشان راهی تهران میشوند تا رئیس جمهور را ببیند.

ما سربازان فرهنگی این نظام هستیم، چرا اینگونه با من برخورد نمیشه؟

ابراهیم حاتمی کیا، کارگردان و نویسنده فیلم سینمایی «خروج» که در بخش مسابقه سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد، در نشست خبری این فیلم در پاسخ به این سوال که آیا انتظار دریافت سیمرغ دارد یا خیر تصریح کرد:

"آنقدر در طول ۳۵ سالی که در سینمای حرفهای کار می کنم فیلم ساختهام که توجه نشدن به فیلمهایم برایم عادی است و هیچ مشکلی هم ندارم. به فیلم «پیراهن یوسف» یا «چ» اصلا توجهی نشد. همه چیز به داورانی که در این دوره حضور دارند بستگی دارد زیرا تصمیم گیری دست آنهاست.

وی در پاسخ این سوال که نگران نبودید بعد از ساخت این فیلم با هجمهای هماهنگ و سازمان یافته رو به رو شوید، گفت: "گناه ما کار گردانها چیست که فیلم میسازیم، برای ما دادگاه تشکیل می شـود. برای چه بعضی از دوستان تا این حد بی حیا هستند؟ علی حاتمی از دنيا رفت الان جاي او پر شده است؟ از اذيت كردن ما لذت ميبريد؟ از اين فضا دلخورم. «خروج» بیستمین فیلم من است و هرسال در نشست خبری جشنواره حضور پیدا می کنم اما هر سال بدتر از سال بعد مي شود. انصاف داشته باشيد، براي هر فيلمم عمرم را گذاشتهام، عریان گری تا این اندازه درست نیست. ما سربازان فرهنگی این نظام هستیم برای چه با ما

او همچنین درباره اینکه چرا فیلم «خروج» در آرای مردمی نیست گفت: "ای کاش بعدا هیئتی تشکیل شود و از کسانی که کارت در دستشان است تحقیق شود، این بار مهندسی به ظاهر ساده اما در اصل پیچیدهای انجام شده است، همه چیز را به زمان ارجاع می دهم زیرا

تنها زمان است که نشان میدهد کدام فیلم در تاریخ و اذهان مردم میماند. او در پاسـخ به این سـوال که چرا فیلمی در رابطه با اتفاقات اخیـر جامعه و اعتراضات نمی سازد؟ گفت: "من فیلمم را می سازم و ترجیح می دهم آنچه به عنوان فیلمساز صلاح می دانم و هر آنچه که دغدغه ام است را به تصویر بکشم. حاتمی کیایی که حالا رو به روی شما نشسته و درباره تمام مسائل نيز فيلم ساخته است. آنچه اکنون ساختهام تمام چيزي است که بلدم و باقی فیلمهایی که ساختهام نیز همان چیزی بودهاند که دغدغهاش را داشتهام. انتظاری که از من می رود تا فیلمهای خوشایند دیگران را بسازم اصلا درست نیست، تا الان حتى يك فيلم سفارشي نساختهام و نظر كسي برايم اهميت ندارد." عصبانيت حاتمي كيا از پرسش یک خبرنگار که «چرا ابراهیم حاتمی کیا همون حاتمی کیا قدیم نیست؟»: من اگر بيفتم پشت شما، معلوم نيست آخرتم به كجا كشيده ميشه.

بازیگر نقش اصلی فیلم «خروج» که در نشســت مطبوعاتی این فیلم در ســی و هشتمین

فرامرز قریبیان، بازیگر پیشکسوت سینمای ایران هم در نشست خبری فیلم سینمایی

«خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا از دنیای بازیگری خداحافظی کرد.فرامرز قریبیان،

جشنواره فیلم فجر حضور داشت، بیان کرد: "من بعد از فیلم «گناهکاران» در جشنواره شرکت نکردم. من در ۷ سال اخیر هیچ فیلمنامهای را قبول نکردم. دلم میخواست با یک فیلمنامه خاص کارم را خاتمه دهم. این آخرین فیلم من است و می خواهم از سینما خداحافظی کنم. دلیل خداحافظی من با سینما این است که دیگر حوصله بچهبازی و غرضورزی مسئولان

فرامرز قریبیان همچنین در ادامه صحبتهایش درباره خداحافظیاش با دنیای بازیگری توضیح داد: "من داور دورهای از جشنواره بودم که جایزه متعلق به نوید محمدزاده برای فیلم «عصبانی نیستم» بود، من آن سال پایش وایسادم و این مورد را مطبوعاتی کردم.گفتند از مجلس به ما زنگ زدند که ما جشنواره را بهم میریزیم.

ابراهیم حاتمی کیا در واکنش به قهر فرامرز قریبیان از سینما بیان داشت: »فاصله گرفتن قهر آمیز آقای قریبیان از سینما غمانگیز است. امیدوارم ایشان این حرف را خیلی جدی نزده باشند. زیرا حضور او برای جوانان درس است و می تواند نکات و راههای جدید به آنها

ابادان یازده ۶۰

کارگردان: مهرداد خوشبخت تهیه کننده: حسن کلامی نویسنده: مهرداد خوشبخت، حسین ترابنژاد بازیگران:علیرضا کمالی، حسن معجونی، نادر سلیمانی، حمیدرضا محمدی، ویدا جوان، شبنم گودرزی، یاسین مسعودی، حسین پوریده، افشین طایی، رضا مسعودی

کانات مهرداد خوشبخت ساختن فیلمهای بلند را از اواسط دههی هشتاد شروع کرد و «آبان یازده ۶۰» یکی از فیلمهای جنگی امسال است. خوشــبخت هفت سال بعد از فیلم «عقاب صحرا» با این اثر به سینما برگشته اســت. این فیلم محصول سازمان فرهنگی هنری اوج است و اثری متفاوت در حوزهی دفاع مقدس به شـمار میرود. «آبادان یازده ۴۰» روایت مجاهدت گروهـی از کارکنان رادیو نفت آبادان برای حفظ رادیو و

مخابره اخبار به منظور مقاومت مردم در برابر دشمن بعثى است 📭 مهرداد خوشبخت: این نسخه نهایی «آبادان یازده ۶۰» نیست

مهرداد خوشبخت در نشست خبری فیلم «آبادان یازده ۶۰» در جشنواره فجر: این نسخه نهایی فیلم نیست. به جز بیست دقیقه آخر فیلم، مابقی آن بر گرفته از واقعیت بود. به گزارش سلام سینما نشست خبری فیلم «آبادان یازده ۶۰» به کارگردانی مهرداد خوشــبخت باحضور عوامــل فيلم، كار گردان و نويســنده (خوشــبخت)، حســن كلامي (تهیه کننده)،علیرضا کمالی، شبنم گودرزی، ویدا جوان و حمیدرضا محمدی (بازیگران فیلم)، بهزادعبدی (آهنگساز)، مهدی جعفری(فیلمبرداری)، سهراب خسروی (تدوینگر)، محمود دهقانی (طراح چهره پردازی)، جعفرمحمدشاهی (طراح صحنه)، زهراصمدی (طراح لباس) و کیوان امجدیان(منتقد) با اجرای فرزاد حسنی چهاردهـم بهمن ماه در پردیس سینمایی ملت بر گزار شد.

فرزاد حسنی در ابتدای این نشست از مهرداد خوشبخت در ارتباط با ساخت اولین فیلم در خصوص رادیو زمان جنگ تشکر کرد. مهرداد خوشبخت در خصوص نگارش فیلمنامه گفت: این نسخه نهایی فیلم نیست و بعد از جشنواره، فیلم کامل می شود. همه بخشهای این فیلم به واقعیت نزدیک بود و برخی از اسـامی فیلم واقعی بود. به جز بیست دقیقه آخر فیلم، مابقی آن برگرفته از واقعیت بود. او در ارتباط با انتخاب بازیگران گفت: واقع گرا بودن فیلم و شخصیتهای آن برای ما خیلی اهمیت داشت و بازی آنها نباید به چشم می آمد. ما به دنبال این بودیم که گریم بازیگرها خیلی به چشم نیاید. علیرضا کمالی در خصوص نقش خود در «آبادان یازده ۶۰» گفت: من این فیله را بازی کردم و توضیح اضافی ندارم. حرف زدن در این باره به زیر متنی احتیاج دارد و من باید از آن فاصله بگیرم. هم چنین محمدی درباره حضور در این فیلم بیان کرد: باراولی بود که فیلم را دیدم و امیدوارم عضو خوبی برای این فیلم بوده باشم و راضی از سالن خارج شده باشــید. ویدا جوان در ارتباط با ایفای نقش همسر یک رزمنده بیان داشت: این نقش را دوست داشتم به این دلیل که تحولی در شخصیت کار کتر شکل می گیرد. او در گیر فضای جنگ می شود و خود را فدا می کند. شبنم گودرزی دیگر بازیگر فیلم درباره حضورش توضیح داد: به این دلیل که عاشق فضای فیلمهای هشت سال دفاع مقدس هستم، برایم جذاب بود. نقش برای من نقش سختی بود و از من فاصله داشت. خوشبخت هم در ارتباط با لهجههای فیلم گفت: حضور جهانگیر میرشکاری برای آموزش لهجه بسیار موثر بود. منتقد حاضر در نشست نیز درباره فیلم تصریح کرد: سینمای ما اگرچه به فیلمهایی با پروداکشنهای خاص نیاز دارد ولی ما برای نمایش بخش ملی گرای سينما به فيلمهايي مانند «آبادان يازده ٤٠» نياز داريم. امجديان ادامه داد: لوكيشن محدود فيلم، حس حبس را به مخاطب القا مي كرد. همه چيز فيلم به قاعده بود و به دنبال قهرمان بازی نبود. حس می کنم این فیلم یکی از بهترین فیلمهای جشنواره است. تهیه کننده فیلم هم درباره این فیلم گفت: در مورد انتخاب این داستان فیلمنامهای را خواندم و اصل داستان و ماجرای آن را دوست داشتم به این دلیل که قهرمان بازی داشت و مقاومت مردمی رانشان می داد. در جنگ تنها کسانی که در خط مقدم جنگیدند دفاع کننده از میهن نبودند بلکه در



ويژنامه



پشت خط مقدم نیز بسیاری از افراد فداکاری کردند. ما به دنبال نشان دادن آنها و یادآوری

حسـن کلامی ادامه داد: امیدوارم مخاطبان با سـوالات خود ما را نقد کنند تا نقاط قوت وضعفمان بفهمیم. او درباره عدم حضور بازیگران چهره در فیلم افزود: انتخاب بازیگران شناخته شده در دیده شـدن فیلم موثر اسـت اما ما به دنبال گران تمام شدن هزینه فیلم نبودیم. خوشبخت درباره منابع مطالعه فیلم و تحقیقاتشان اظهار کرد: کتاب «فرکانس یازده ۶۰» اصلی ترین منبع ما بود و در کنار آن از منابع تحقیقی چند کتاب و مصاحبه با کارمندان رادیو نیز استفاده کردیم. کار گردان فیلم بیان کرد: این فیلم در ارتباط با رسانه است و از اهالی رسانه می خواهم آن را حمایت کنند. ما گذشته را رها کر دیم و اگر به گذشته برگردیم می توانیم آینده را بسازیم. او ادامه داد: ۱۰ نوع عقیده متفاوت در این فیلم حضور دارد و این موضوع که این ۱۰نفر با رادیو در کنار رشادتهای دیگر نیروها و مردم، شهر را نجات می دهند نشان از همدلی آن ها دارد. منتقد حاضر در جلسه نیز اظهار کرد: این فیلم به ما یادآوری می کند که در بحرانی ترین شرایط، رسانه می تواند نقش نجات دهنده را ایفا کند. این نکته را هم باید متذکر شوم که ریتم فیلم کاملا درست است و همه چیز را کنترل می کند. کار گردان «آبادان یازده ۶۰» در خصوص نقشهای فیلم گفت: ما ارتشی تکاور در سکانسی از فیلم داریم که فیلمهای مستند را به سختی پیدا کردیم. آرزو دارم فیلم ذوالفقاری و جنگ تن به تن آن را بسازم. خوشبخت همچنین گفت: در فیلم به دنبال بیان اسم رادیوهای واقعی آن زمان نبودیم و مجبور به حذف تعدادی از سکانسهای فیلم بودیم. او از اهالی رسانه خواست این نوع فیلم را حمایت کنند و اظهار کرد: دوره تیر و توپ در فیلمها گذشته است. ما برای ساخت این فیلم موفق به قانع کردن سازمان اوج شدیم پس از شما نیز میخواهم این فیلم را حمایت کنید.

نگاهی به فیلم «روز بلوا»

پرداختن به مسائل روز، به هر قیمتی!

كائات اميد زيادلو - «روز بلوا» را مى توان به طور خلاصه به پیشخوان مطبوعات در یکسال گذشته تشبیه کرد، فیلمی که اگرچه سعی دارد تمام مشکلات اجتماعی را یکجا نقد کند، اما از مطرح کردن آنها فراتر نمیرود. آخرين فيلم بهروز شعيبي حول شخصيت عماد بديعي شکل می گیرد. حاج آقای بدیعی روحانی جوانی است که برنامههایش در تلویزیون باعث شده شهرتی به هم بزند. سکانس ابتدایی فیلم به حضور او در تلویزیون می پردازد. به نظر میرســد حرفهای روحانی جوان (با بازی بابک حمیدیان) آنقدر منتقدانه اسـت که در اتاق فرمان همه به تکاپو افتادهاند و خانم کار گردان برنامه در گوشی خانم مجری مدام تکرار می کند که حرف را عوض کند تا روحانی

معترض سر برنامه را به باد ندهد. خیلی زود متوجه می شویم برادر کوچکتر حاجی غیبش زده. نیروهای امنیتی (از معدود کاراکترهای مثبت این فیلم) او را مدتهاست زیرنظر داشـــتهاند و فعالیتهای مشکوک و خلاف مالی او را تعقیب می کردهاند و حالا او بعداز خالی کردن حسابهای مشترک شرکت، غیبش زده. سپردههای مردم در موسسه مالی و اعتباری (که پوششی است برای پولشویی بوده) را بالا کشیده و فرار کرده. نکته اینجاست که اموالی به نام عماد بدیعی روحانی جوان زدهاند، چکهایی امضا کرده و معاملههایی به اسم او انجام شده که حسابی پایش را به این پرونده کشیده است. هم آبرویش در خطر است و هم دینش. چرخش داستان و حسابسازیهای مشکوک و معاملات پیچیده و وامها و چکها و کالاها و زمینها و ثروت بیحد این سالهای فساد طوری پیش می ود که او حتی به نزدیک ترین حلقه



اطرافیانش هم نتواند اعتماد کند. برای او فقط مانده یک جوان هَکِر با سروضع امروزی و غیراسلامی که به شکل غریبی کمک کردن به او برای زدن حسابها و پیدا کردن آدمها برایش امری خیلی معمولی است و عمویی که در محله قدیمی مانده و شخلی سنتی دارد و به او اطمینان می دهد او و برادرانش نان حلال خور دهاند و جزئی از دایره فساد نیستند. در مقابل بقیه دستشان در دست یکدیگر است. «روز بلوا» برای عقب نیفتادن سازندگان از مسائل روز جامعه، قرار است به مسئله فساد مالي بپردازد، اما كدام فساد؟ این فسادها از چه طریق و چگونه انجام شده؟ بهنظر میرسد سازندگان فیلم تنها به خواندن گزارشات کوتاه مطبوعات (آن هم نه تخصصيهايش)، بسنده كردهاند. اگر یک فیلم در مقیاس جهانی مانند «گرگ وال استریت» و حتی ضعیفترهایش را که به مسئله فساد مالی و مافیای اقتصادی و... پرداختهاند در نظر بگیرید، متوجه میشوید در در تمامشان عوامل فیلم تلاش کردهاند اول مسئله را برای مخاطبشان به زبان سینمایی و ساده توضیح دهند، اما شعیبی تنها به گفتن تیتر اخبار روز اکتفا کرده است،

تکرار مفهوم دهن پـر کنی مانند «فسـاد» برای روایت داستان با آن ابعاد (که فساد تا بالاترین سطح کشور نفوذ کرده) کافی بهنظر نمیرسد. از طرف دیگر شعیبی تلاش می کند نام قشری از جامعه

را تطهیر کند، اما این کار را به بدترین شکل انجام میدهد، از طرفی حاج آقا بدیعی اهل خریدن گوشی ۲۰ میلیونی و سوار شدن ماشین ۲۰۰ میلیونی است و از طرف دیگر زمانی که میفهمد اموالش از راه حرام کسب شده، جا می خورد. چه طور شخصیتی که تنها به کمک یک هکر در آخر داستان تمام اطلاعات مفسدین مالی را در اختیار مامورین دولت قرار می دهد، نمی دانسته خانهی چند میلیاردی و اموال میلیونیاش از چه طریق بهدست آمده؟ مشکل بزرگ دیگری که در فیلم وجود دارد رابطهی عماد بدیعی و هکر است، شاید اگر ما اطلاعاتی زمینه در مورد شخصیت هکر داشتیم، رابطهی این دو و کمک بدون چشمداشت هکر توجیهی پیدا می کرد، اما هکر تنها به این دلیل در فیلم گنجانده شده که مشکلات سازندگان را حلوفصل کرده و گره داستانی را با فشردن چند دکمه باز کند. «روز بلوا» به شدت فیلمی شعاری است، اگرچه از فیلم سال گذشتهی شعیبی «دار کوب» بهتر است، اما صرف بازیهای قابل قبول و تکنیکهای سینمایی که بیشتر وابسته به پیشرفت تکنولوژی است، نمی توان آن را فیلمی استاندارد به حساب آورد، آن هم با پایان بندی گلدرشتی که حاج آقا در نهایت، به خاطر بارش باران به زیر پلی پناه میبرد که پر از آدمهای معمولی است، حاج آقا که گول خورده و ماشین و گوشی و خانهی آنچنانی داشته! حالا زیر باران تطهیر شده و با مردم یکی می شود...

